

موانع دولت-ملت سازی در یمن

مصطفی علی اکبریان هاوانکی
(دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران)

ایمان نسترن
(کارشناس ارشد علوم سیاسی گرایش روابط بین الملل)

سرشناسه: علی اکبریان هاوشکی، مصطفی، ۱۳۶۷-

عنوان و نام پدیدآور: موانع دولت - ملت سازی در یمن / مصطفی علی اکبریان هاوشکی - ایمان نسترن.

مشخصات نشر: شیراز: صبح انتظار، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۰۳ص: مصور، جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۵-۵۹-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: یمن (جمهوری) - سیاست و حکومت - قرن ۲۱ م.

Yemen (Republic) - Poltics and government - 21 st Century

موضوع: یمن (جمهوری) - تاریخ - قرن ۲۱ م. Yemen (Republic) - History - 21 st Century

Yemen (Republic) - Foreign relations

موضوع: یمن (جمهوری) - روابط خارجی

شناسه افزوده: نسترن، ایمان، ۱۳۶۲-

رده بندی کنگر: ۱۳۹۵، ۸۷ع/۹/ DS۲۴۷/۹

رده بندی دیویی: ۹۵۲.۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴ ۳۶۴



نام کتاب: موانع دولت - ملت سازی در یمن

مؤلفین: مصطفی علی اکبریان هاوشکی - ایمان نسترن

صفحه آرا و طراح جلد: عظیمه زارع

تیراژ: ۲۰۰۰

قطع: وزیری

تعداد صفحات: ۱۰۳ص

ناشر: انتشارات صبح انتظار

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۵-۵۹-۴

مدیر مسئول انتشارات: سیده فاطمه طباطبایی فرد

ارتباط با ناشر: ۰۹۳۶۳۲۳۵۰۰۲

ایمیل انتشارات: etsobhan@yahoo.com

طبق قانون حمایت از آثار مؤلفین و مترجمین، تمامی حقوق جهت مؤلف و ناشر براساس قرارداد

فی مابین محفوظ است و هرگونه کپی برداری ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

مقدمه نویسنده.....	۹
پیشگفتار:.....	۱۱

فصل اول: ژئوپلیتیک یمن

موقعیت ژئوپلیتیک یمن:.....	۱۶
موقعیت اقلیتی یمن:.....	۱۹
زندگی اجتماعی در یمن.....	۲۲
لایه‌های اسلام‌گرایی در یمن.....	۲۵

فصل دوم: مراحل تکوین دولت - ملت سازی

مراحل تکوین دولت - ملت سازی.....	۲۸
----------------------------------	----

فصل سوم: موانع داخلی دولت - ملت سازی در یمن

علل جغرافیایی:.....	۳۸
علل سیاسی.....	۴۰
علل اقتصادی.....	۴۱
علل اجتماعی.....	۴۵
علل تروریستی.....	۴۸

فصل چهارم: موانع خارجی دولت - ملت سازی در یمن

انگلیس عامل جدایی دو یمن و جنگ‌های پس از آن.....	۵۴
آمریکا عامل جنگ دولت یمن با قبایل اسلام‌گرا.....	۵۷
داخلت قدرت‌های جهانی در یمن.....	۶۰
آمریکا.....	۶۱

۶۴	 شوروی-روسیه
۶۶	 دخالت قدرت‌های منطقه‌ای در یمن
۶۸	 عربستان
۷۰	 ایران
۷۵	 مصر و اسرائیل

فصل پنجم: بحران‌های دولت-ملت سازی در یمن

۸۰	 تعریف بحران:
۸۳	 بحران‌های موجود در کشور یمن
۹۰	 فرجام سخن
۹۵	 فهرست منابع

مقدمه نویسنده

در سال ۲۰۱۵ دولت منصور هادی به دلیل تحرکات گروه‌های شیعی یمنی استعفاء داد. از آنجا در یمن رئیس جمهور نماد وحدت ملی است و به دلیل این که پیدا کردن فرد مناسب برای حکومت کردن بر قبایل یمن کار تقریباً غیر ممکن است، منصور هادی می‌پنداشت که گروه‌های زیدی و شمالی با این استعفاء مخالفت می‌کنند و این عمل باعث مشروطیت بیشتر وی در شمال یمن می‌شود، اما این استعفاء با استقبال گروه‌های شمال مواجه شد که هادی را یک جنوبی می‌دانستند که مانع دستیابی قبایل شمالی به اهدافشان است. این استقبال باعث شد تا هادی استعفاء خود را پس بگیرد و این عمل باعث ایجاد یک جنگ دائمی بین گروه‌های شیعی و گروه‌های حامی هادی (بین شمالیان و جنوبیان) شد. در این بین گروه‌هایی مانند القاعده شبه جزیره و داعش یمن نیز به فکر رشیدن به قدرت و نابودی قبایل شیعی هستند و وارد این کار و زار شدند. در این بین با کاهش توان نیروهای حامی رئیس جمهور، هادی بعنوان رئیس جمهور یمن از کشورهای عربی بویژه عربستان درخواست کمک کرد و این گونه با وجود جنگ داخلی، ابعادی بین المللی و منطقه‌ای هم به این کار و زار افزوده شد. کشور ایران که همواره به گروه‌های شیعی در یمن کمک‌های مادی و معنوی می‌کرده این بار نیز به حمایت آنان ادامه داد.

اکنون که حدود یک سال از این ماجرا می‌گذرد و هنوز آتش این جنگ شعله ور است. اما چرا این جنگ‌های داخلی که تعداد آنها در تاریخ یمن کم نیست به وقوع می‌پیوندد؟ نگارنده اعتقاد دارد دلیل اصلی این اتفاقات عدم شکل‌گیری دولت-ملت واقعی در یمن است، حتی می‌توان گفت که زمینه‌های فکری شکل‌گیری دولت-ملت نیز در یمن وجود ندارد. لذا قصد این پژوهش پیدا کردن ریشه‌های عدم شکل‌گیری دولت-ملت در یمن است و در این راستا عوامل داخلی و خارجی آن را بررسی می‌کند.

پیشگفتار:

منطقه کنونی یمن شاهد یکی از قدیمی ترین تمدن های بشری بوده است. این سرزمین شاهد آمد و رفت امپراطوری های و پادشاهی های بزرگی در طول تاریخ بیش از ۴۰۰۰ ساله خود بوده است. سلسله های پادشاهی معین، صبا و حمیر که برآمده از خواست مردم یمن برای ایجاد حکومت در منطقه خود بودند، به آبادانی این منطقه کمک شایانی کردند. این آبادانی ها که حتی در قرآن کریم نیز از آنها یاد شده باعث ایجاد وحدتی بین مردم یمن شد، وحدتی که حتی با آمدن امپراطورهای روم و ایران باستان به آن منطقه یمن از بین نرفت. اما با از بین رفتن این آبادانی مردم تمدن یمن برای امرار معاش به دو شیوه دادند: در کوهستان های سرسخت شمالی و کشاورزی در جلگه های حاصل خیز جنوبی، روی آوردند که این امر زمینه را برای جدایی و از بین رفتن وحدت مردم یمن آماده کرد. زیرا شمالی، به دلیل نبود منابع غذایی کافی همواره جنوبیان را مورد غارت قرار می دادند.

جنوبیان کسانی بودند که از دوران باستان در نواحی مشخصی سکنی گزیده بودند و این امر سبب شد تا تمدن کشاورزی باستانی را در جنوب استان پایه گذاری کنند. در زمان تجزیه حکومت مرکزی، وجود زمین های حاصلخیز منطقه، ساکنین را برای ادامه فعالیت های اقتصادی خود و کار کردن به عنوان کشاورز، ترغیب کرد. کشاورزی نیز به انحلال حکومت تا سطح قبیله کمک کرد و قبایل را به سمت ایجاد محلیت های مجزا و نیمه فئودال در منطقه سوق داد.^۱

^۱ -Manea, Elham, Yemen, The Tribe and The Stat, This paper Was presented to the International Colloquium on Islam and Social Change at University of Lausanne on 01_11 October 1996.

البته این تنها دلیل عدم شکل گیری دولت-ملت در یمن نیست، اما همین دلیل ساده بنیان وحدت در تمدن یمن را لرزاند. و این روند ادامه داشت تا شروع دوران استعمار اروپاییان در سده های ۱۸ تا ۲۰ میلادی. دولت های استعماری در راستای منافع خود به غارت کشورهای جهان و خاورمیانه دست زدند و یمن نیز از این قائده مستثنی نبود. یمن به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. و این امر باعث شد که امروزه کشور یمن همانند افغانستان در واپسین حلقه های تمدن بشری قرار بگیرد. همواره دو کشور شاهد جنگ های خونین بودند که ته مانده وحدت تاریخی، زبانی و ... را نابود می کرد. در دوران جنگ سرد و کشور با تکیه بر متحدان ابر قدرت خود به این خشونت ها افزودند. در این بین از دخالت های در نه های منطقه ای نظیر مصر و عربستان سعودی نیز نمی توان غافل بود.

از سوی دیگر علاوه بر دخالت خارجی، اوضاع داخلی کشور یمن بر موانع عدم شکل گیری دولت-ملت در یمن تاثیر فرارزی داشت. صدها سال جنگ قبیله ای میان شمالیان و جنوبیان و استعمار غربیان باعث ایجاد ثداف عظیم فرهنگی بین مردم شمال و جنوب شده است. به گونه ای که شمالیان به زندگی بیابانی و مذهبی و یک جامعه بسته روی آورده اند و بوی جهانی شدن و فرهنگ امروز جهانی برده اند. و جنوبیان به دلیل استعمار، دیگر رنگ بوی زندگی قبیله ای نداشتند و در یک جامعه جهانی شده و سکولار زندگی می کنند.

تنها دوره ای که در دوران معاصر می توان نام برد که یک دولت ملت واقعی در یمن شکل گرفته است از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۱ در دوران حکومت علی عبدالله صالح الاحمر است که از پایان جنگ داخلی ۱۹۹۴ شروع شد و تا وارد شدن صالح به جنگ علیه تروریست به رهبری آمریکا ادامه داشت. در این راستا این کتاب به بررسی عوامل داخلی و عوامل خارجی موثر در عدم شکل گیری دولت-ملت در یمن می پردازد. و این

سوال را مطرح می‌کند که: «تاثیر عوامل داخلی و عوامل خارجی در عدم شکل‌گیری دولت-ملت در یمن چیست؟» و این فرضیه را به آزمون می‌گذارد که: «عوامل داخلی و عوامل خارجی در عدم شکل‌گیری دولت-ملت در یمن را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک کرد.» در این راستا این پژوهش با استفاده از نظریه بحران لوسین پای به بررسی موضوع کتاب حاضر می‌پردازد.

لوسین پای در بحث خود از توسعه سیاسی می‌گوید که تمام جوامع، علائم مشترکی از نوسازی بر اساس شاخص‌های زیر دارند: تقویت مساوات، بهبود کارایی‌های سیاسی و تمایز گذاری ساختاری. این شاخص‌ها از نظر لوسین پای، با افزایش بحران‌هایی در جامعه همراه هستند که برای دستیابی به توسعه سیاسی باید از این سلسله بحران‌ها عبور کرد. البته وی برای تحقق توسعه، علاوه بر یک نظام سیاسی، تقدم و تأخری برای مقابله با این بحران‌ها در نظر نمی‌گیرد. زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع گوناگون، از لحاظ قرار گرفتن در مسیر هر یک از این بحران‌ها متفاوت است. این بحران‌ها عبارتند از:

۱- بحران هویت: به فرهنگ نخبگان و توده مردم، به صورت احساسات ملی، در مورد سرزمین خویش ارتباط می‌یابد که رفته رفته تعارض میان ملی‌داری‌های قومی و تعهدات ملی را تشدید می‌کند و مشکلاتی برای وحدت و یکپارچگی در جامعه پدید می‌آید.

۲- بحران مشروعیت: بر اثر اختلافات موجود بر سر رهبری و منابع اقتدار بروز می‌کند. به گونه‌ای که گروه حاکم مجبور به رقابت با گروه‌های دیگری شود و در این روند، اقتدار حاکمیت از طرف توده مردم زیر سؤال می‌رود.

۳- بحران نفوذ: به صورت فشارهای وارده بر گروه‌های حاکم برای سازواری نهادی و ایجاد ابداعات و نوآوری‌ها تجلی می‌یابد و مانع از نفوذ قدرت حاکمه در لایه‌های جامعه می‌شود.

۴- بحران توزیع: در چارچوب مسائل ایدئولوژیک، منابع فیزیکی و انسانی بروز می‌کند.

۵- بحران مشارکت: از سیلان ناگهانی بازیگران جدید در صحنه بازی سیاسی ناشی می‌شود. شمار بازیگران جدید، یک سری تنش‌ها را به دنبال دارد که از جا نیفتادگی نهادی در وضع موجود حکایت دارد. این وضعیت، افزایش سطح تقاضاها را به دنبال دارد. کتاب حاضر داردی پنج فصل است. در فصل اول به مسائل ژئوپلیتیک یمن پرداخته می‌شود. در فصل دوم مفهوم دولت-ملت سازی بررسی می‌شود. در فصل سوم عوامل داخلی عدم شکل‌گیری دولت-ملت در یمن برشمرده می‌شود. در فصل چهارم بحث از عوامل خارجی عدم شکل‌گیری دولت-ملت در یمن می‌شود. در فصل پنجم براساس دیدگاه لویسن پار، به عدم شکل‌گیری دولت-ملت در یمن می‌پردازیم. و در آخر دو راهکار برای ایجاد امنیت در یمن ارائه می‌شود.